

نقش استفاده از هوش مصنوعی در بهبود کیفیت تئاتر (مطالعه موردی تئاتر آیینی)

چکیده

پس از ظهور عصر شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، هوش مصنوعی کارکردهای جدیدی برای استفاده عموم و متخصصان پیدا کرده است. با احیای ایده جهان‌های ممکن، هوش مصنوعی در حوزه ادبیات نمایشی و تئاتر در قالب گره‌گشایی برخی از مشکلات مربوط به گزاره‌های نمایشی از جمله نحوه استفاده از هویت‌های آیینی و خیالی با استفاده از مسئله تضاد در داستان بازی و باورپذیری روایت به کار رفته در زبان طبیعی. استفاده از هوش مصنوعی برای تحلیل جهان‌های ممکن در نمایش‌های آیینی می‌تواند رویکرد جدیدی را بین این دو حوزه که تاکنون متفاوت و نامرتبط با یکدیگر بودند ایجاد کند. تعدد جهان‌های داستانی مرتبط با متن از نظر تعدد قرائت‌ها و باورها و آگاهی از آن‌ها در این نگرش حائز اهمیت است. از این حیث، در این پژوهش، استفاده از هوش مصنوعی در ارتقای کیفیت روایت در تئاتر آیینی مورد تحلیل قرار گرفته است.

اهداف پژوهش:

۱. تحلیل کاربردهای هوش مصنوعی در ارتقای کیفیت تئاتر آیینی.
۲. سکوی جهان‌های ممکن با استفاده از هوش مصنوعی در تئاتر.

سؤالات پژوهش:

۱. هوش مصنوعی در ارتقای کیفیت تئاتر آیینی چگونه عمل می‌کند و چه کاربردی دارد؟
۲. هوش مصنوعی چگونه با استفاده از لنز جهان‌های ممکن به کیفیت تئاتر کمک می‌کند؟

کلیدواژه‌ها: نمایش آیینی، هوش مصنوعی، جهان‌های ممکن، ادبیات نمایشی.

مقدمه

در نمایش آیینی، انسان‌های مقدس و قدسی می‌توانند یکی از کاراکترهای نمایش باشند؛ یا به عبارتی کاراکتری از داستان، موجود برتر از انسان و مقدس است؛ درحالی‌که همه کاراکترهای داستان تحت فرمان نویسنده و کارگردان تئاتر هستند. این موضوع به ادعای برخی از پژوهشگران سبب بروز تناقض در نمایش و حتی به کارگیری آن به‌عنوان ابزاری جهت صنعت‌مند ساختن متن و نمایش بود؛ بنابراین آیا می‌توان در حوزه نمایش و ادبیات نمایشی بروز تناقض را تصور نمود. در شکل منطقی این نوع از باورمندی براساس هویت خیالی که بخشی از زبان طبیعی هستند توجیه می‌شود و در دیالوگ‌ها و صحنه‌ها از آن به‌عنوان رویداد خبر داده می‌شود. این موضوع با بحث درباره جهان‌های ممکن قابل‌بررسی است؛ زیرا در نمایش‌های آیینی اصل مبتنی بر واقعه‌ای حقیقی و باورشونده برای مخاطب دارد. ارتباط میان جهان‌های ادبیات داستانی و نمایشی و شباهت آن میان جهان‌های ممکن که از سوی هوش مصنوعی بررسی می‌شوند، در این زمینه بسیار دارای اهمیت هستند. در بیان آنچه به‌عنوان ادبیات آیینی مطرح می‌شود، رویکردهای متفاوتی در قبال داستان و متن واقع‌نگارانه وجود دارد.

در ادبیات آیینی ارتباط میان داستان و واقع‌نگاری ادبی دارای اهمیت است که متن را از وقایع‌نگاری تاریخی صرف به ادبیات تبدیل می‌کند. در این‌باره، رویکردهایی درباره ارتباط میان داستان و متن واقع‌نگارانه در ادبیات آیینی وجود دارد. رویکرد اول مبتنی بر جداسازی میان داستان و واقع‌نگاری ادبی است و وضعیت داستان را کاملاً متفاوت با وضعیت‌های واقعی و قوانین منطقی می‌داند. در این رویکرد ادبیات آیینی صرفاً برساخته تخیل است و هیچ ارتباط واقعی میان این شیوه از ادبیات با جهان واقعی و رخداد حقیقی وجود ندارد. رویکرد دوم، رویکردی یکپارچه‌نگر است که براساس آن تفاوت میان داستان در ادبیات آیینی و واقع‌نگاری وجود ندارد و اساساً این مسئله نادیده گرفته می‌شود؛ زیرا اهمیتی در فهم و معناداری ادبیات آیینی ندارد. در این نگرش اسطوره‌های آیینی معانی برتری را متبادر می‌کنند؛ شخصیت‌هایی که دارای خصلت‌هایی برتر مانند: عشق، احترام، عزت‌نفس، امنیت و خودشکوفایی هستند و از ویژگی‌های اصلی اساطیر فانتزی و قهرمانان حماسی است. البته این اشخاص دارای اعتمادبه‌نفس بالایی هستند که در مواقع خاص تصمیم خاص می‌گیرند (آذرپیرا و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴). رویکرد سوم رویکردی پراگماتیسمی است که طبق آن باید میان داستان و واقع‌نگاری ادبی براساس پراگماتیک بودن یا عملی بودن آن تمایز قائل شد، زیرا مرز قاطعی میان این دو امر وجود ندارد و آن‌ها مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی، ادبی و هنرهای تخصصی دیگر هستند که براساس آن باید تمایزگذاری شوند. در این نگرش میان واقعیت و خیال یا وضعیت‌های واقع و وضعیت‌هایی که خلاف واقع می‌نمایند مرزی فازی وجود دارد که به زمان و پیش‌زمینه‌های فرهنگی و تاریخی ارتباط دارند. به این ترتیب، داستان‌مندی نمی‌تواند ویژگی‌ای جاویدان یک متن و مرتبط با اجزای آن محسوب شود؛ بلکه ویژگی‌ای است که با توجه به اینکه در یک دوره به صورت عملی و بسته به چارچوب و پیش‌زمینه تاریخی و فرهنگی متن باید بررسی شود و این‌گونه نیست که همیشه نیز به آن صورت باشد؛ زیرا ممکن است متنی پیش‌از این امر غیرواقع‌گرایانه تشخیص داده می‌شده است و امروزه این‌گونه نباشد و بالعکس (Ronen, ۱۹۹۴: ۱۰). به‌عنوان مثال، خدایان یونانی در ادبیات آیینی و نمایشی دوره یونان باستان امری واقعی قلمداد می‌شدند و جزو متون واقع‌گرایانه بودند؛ ولی امروزه برای اکثر مردمان جزو خیال‌پردازی هستند (برسler, ۱۳۸۶: ۳۴). امر واقعی همان ماهیت اصیل اثر هنری است که در متن نویسایی پدیدار می‌شود، به بیانی دیگر، همان ناب‌بودگی که متون نویسایی به هم‌پیوسته دوره‌های مختلف در گفتمان میان متن‌ها از آن سخن گفته‌اند. ادبیات همواره از وجود چیزی خبر می‌دهد. چیزی پنهان که هر لحظه امکان آشکارشدنش وجود

دارد. به واقع ادبیات امری سوژه محور است و در هر زمان توانایی تبدیل شدن به ابژه را دارد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰۷). البته امروزه پرده میان واقع و تخیل نیز مانند گذشته نیست؛ زیرا امروزه این موضوع اهمیت دارد که متون براساس واقعی یا خیالی بودن آن ارزش گذاری نشوند؛ زیرا تخیل امروزه نقش بسیار مهمی در زندگی فردی انسان دارد و نقش به سزایی در فرآورده های به اشتراک گذاشته شده تخیل در زندگی اجتماعی انسان ها بازی می کند (Searl, ۱۹۷۵: ۳۳۲).

نتیجه گیری

براساس نتایج به دست آمده در تحقیق هوش مصنوعی در ابزارهای جدیدی که ضمن توانایی حل مسئله به دست داده است می تواند در پربارتر شدن نمایش های آیینی در مرحله نگارش، اجرا و همچنین تعامل میان اجرا و مخاطب نقش به سزایی ایفا کند.

(۱) هوش مصنوعی برای تلفیق اسطوره ها است این امکان به وسیله ابزارهایی نظیر chat GPT امکان پذیر است و در آن آیین های اسطوره ای یا نمایشی از آفریقا، لاتین، اوستایی و اسلامی و مسیحی و... قابلیت تلفیق دارند و از حالتی محلی به اموری جهانی تبدیل می شوند که بی زمان و جهانی هستند و پژوهش هایی برای همه نوع بشر دارند.

(۲) هوش مصنوعی در اجرای متن تئاتر آیینی می تواند کار را بدون قصدیت و نیت مندی انسانی کند. این موضوع سبب بی طرح و برنامه اجرا نمی شوند بلکه براساس گزینه های مختلفی است که پیشاپیش در ابزارهای هوش مصنوعی است و به آن جهت داده می شود.

(۳) هوش مصنوعی می تواند عناصر روایت و داستان و روایت را در شکل ها و بیان های فرمی مختلف روایت گری دربرگیرند و از استراتژی های مختلف برای تعاملی ترکیب شده با داستانی غیرتعاملی و عناصر روایت استفاده کنند. هوش مصنوعی می تواند با ترکیب برخی اشکال ترکیبی از روایت با انتخاب های آزادانه مبتنی بر لایه های شبیه سازی باشد. شبیه سازی توسط هوش مصنوعی به وسیله قوانین از پیش تعیین شده ای که مشخص می کند که زمان چگونه از رویداد و صحنه ای به سوی صحنه دیگر چگونه پیش می رود و اینکه روایات خطی و تعاملی از پیش طراحی شده را شکل دهد. باید توجه داشت که هوش مصنوعی می تواند استراتژی های مختلفی برای ترکیب این اشکال پدید آورد.

(۴) هوش مصنوعی در مورد وضعیت های شناختی، اشیای موجود در فضای نمایش های آیینی، خود فضای نمایش آیینی و محیطی که بازیگران قرار است در آن بازی کنند و البته روابط میان عناصر و اشیای و موجودات داخل در نمایش راهگشا و پیشنهادهای مفیدی می تواند ارائه دهد. در نمایش های آیینی شبیه سازی درباره موجودات ماوراءالطبیعی، چگونگی باورپذیری آن ها، رفتارهای آن ها و وضعیت های شناختی و رفتاری و همچنین کاراکترهای نمایش توسعه می یابد. با استفاده از هوش مصنوعی مخاطب از تجربه چندباره نمایش آیینی و یک شکل بودن همیشگی آن کسل نمی شود و امکان نوآوری و شگفت زده کردن مخاطب بسیار بیشتر خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ:

آذرپیرا، محسن؛ اردستانی رستمی، حمیدرضا؛ امامی، نصرالله و خردمندپور، مسعود. (۱۴۰۱). «بررسی و تحلیل ساختارهای انسان‌گرایی در شخصیت‌های اساطیری فانتزی منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه و فرامرزنامه منطبق با نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو». مطالعات هنر اسلام، ۱۹(۴۵)، ۷-۲۶.

الیاده، میرچا. (۱۳۶۸). آیین‌ها و نمادهای آشناسازی: رازهای زادن و دوباره زادن. ترجمه: نصرالله زنگونی، تهران: نشر نگاه.

انصاری، امین. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روایت در هنر رسانه جدید. تهران: نشر افراز.

برسler، چارلز. (۱۳۸۶). درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی. ترجمه: مصطفی عابدینی فرد. تهران: انتشارات نیلوفر.

حسین‌زاده نمدی، مرجان؛ اردلانی، حسین؛ خبری، محمدعلی و امینی، رحمت. (۱۴۰۱). «بازخوانی مفهوم انسان - حیوان با تأکید بر نظریه ژیل دلوز از منظر پساساختارگرایی (پست‌مدرنیست) با خوانش یازده نمایشنامه». مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۲۵۳-۲۷۰.

شکنر، ریچارد. (۱۳۸۸). نظریه اجرا. ترجمه: مهدی نصرالله‌زاده، تهران: سمت.

عسگرزاده، حسن. (۱۳۸۵). هوش مصنوعی. تهران: دانشگاه پیام‌نور.

قاسمی، معصومه؛ بنی‌اردلان، اسماعیل؛ صادقی شهپر، علی و اردلانی، حسین. (۱۴۰۱). «نشانه‌شناسی متن و اثر هنری در آرای رولان بارت با رویکرد خوانش متون و آثار هنری کهن». مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۵۰۵-۵۱۸.

کریپکی، سول. (۱۳۸۰). «ملاحظات معناشناختی در منطق وجهی». ترجمه: کاوه لاجوردی. نشر ریاضی، شماره ۱، ۲، ۳۳-۲۸.

کازنو، ژان. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی وسائل ارتباط جمعی. ترجمه: باقر ساروخانی، منوچهر محسنی. تهران: اطلاعات

کراپ، الکساندر و دیگران. (۱۳۷۷). جهان اسطوره‌شناسی. ترجمه: جلال ستاری، تهران: مرکز.

ناظرزاده کرمانی، فرهاد. (۱۳۶۸). نمادگرایی. تهران: سروش.

Fesenko, O. (۲۰۱۷). "Intellectual Property In Artificial Intelligence", University Of Tartu School Of Law Department..

Ronen, R. (۱۹۹۴). Possible world in literary theory. Newyork. Cambridge university

Russel , Stuart J And Norving , Peter , "Artificial Intelligence A Modern Approach" , Third Edition.

Schmit-Erfurth, U., And Other. (۲۰۱۸). Artificial Intelligence In Retina, Progress In Retinal And Eye Research, Volume ۶۷.

Searle, John, R. (۱۹۷۵). "The logical status of fictional discourse". New literary history.

Vol۶, No۲. ۳۱۹-۳۳۲

Willoby, A.D. (۲۰۱۱). Video Game Theatre, Theses and Dissertations, Virginia Commonwealth University.